

پرتوی از زندگانی

امام حسن مجتبیٰ علیه السلام

سید عباس رفیعی پور علوی علویجه

ابراهیمی، مقصدی محمدی، منهجی علوی، زهره‌ای زهرایی که عصای فرعون کوب موسی را در دست صلح آفرین عیسوی داشت و تندیس زنده‌ی اخلاق قرآن بود و رایت جاودانگی اسلامی را در زندگی توأم با مجاهده و شکیبایی تضمین کرد و بقاع امن و ایمان را به ابدیت در بقیع شهادت بر افراشت و مکتبش از خاک گرم مدینه به همه سوی جهان جهت یافت و با همه‌ی مظلومیتش در برابر سیاهی و تباهی جبهه گرفت و به حقیقت اصالت بخشید و مشعلدار گمراهان و زعیم ره یافتگان گردید. حضرتش در بقیع بی بقعه؛ در جوار جدی پدریش فاطمه بنت اسد، برادر زاده نازنینش امام سجاد علیه السلام و مضجع امام باقر و امام صادق علیه السلام

﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ﴾ إِنَّ شَانِكَ هُوَ الْأَبْتَرُ﴾ نخستین مظهر و نشانه‌ی کوثر که بر دامن پاک فاطمه‌ی اطهر (س) پا به عرصه‌ی گیتی نهاد امام حسن علیه السلام بود. نشانه‌ای از تجلی مقدس‌ترین پدیده‌ای که از خجسته‌ترین پیوند برین انسانی، نصیب حضرت محمد صلی الله علیه و آله، علی مرتضی علیه السلام و فاطمه زهرا (س) گردید. همان لؤلؤی که از برزخ دو اقیانوس نبوت و امامت به ظهور پیوست و معجزه‌ی بزرگ ﴿مَرْجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ، بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ، يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّوْءُ وَالْمَرْجَانُ﴾. (۱) را تجسم بخشید و کلام خدا در کلمه‌ی وجود چنین ظاهر شد. از نیایی الهام‌گیر و پدری پیشوا، وارثی برخاکیان و جلوه‌ای برافلاکیان پدید آمد با وراثتی

آرمیده است. (۲)

امام حسن علیه السلام به خانه آمد و خواست آیات قرآن را برای مادرش بخواند؛ ولی زبانش به لکنت افتاد و از گفتار باز ماند و چون مادرش علت را پرسید، گفت: مادر جان! گویا شخصیت بزرگی در این خانه است که شکوه وجودش، مرا از سخن گفتن باز می‌دارد. (۵)

درس اخلاق

از امام مجتبی علیه السلام خواستند که سخنی و مطلبی درباره‌ی اخلاق نیکوی پیامبر صلی الله علیه و آله بگوید. او فرمود:

هر کس نیازی به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله می‌برد حاجتش رد نمی‌شد و هر چه در توان داشت برای رفع نیاز مردم به کار می‌برد و شنیدم پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس نماز صبح را بگذارد، آن نماز بین او و آتش دوزخ دیواری ایجاد می‌کند. (۶)

امام حسن علیه السلام از منظر رسول الله صلی الله علیه و آله

حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله فضایل و امتیازات فرزندش امام حسن مجتبی علیه السلام را بین مسلمانان تبلیغ

تولد و کودکی

فرزند گرامی رسول الله و نخستین نوه‌ی او در مقدس‌ترین ماه‌های سال قمری یعنی پانزدهم (۳) رمضان سال سوّم هجرت چشم به جهان گشود.

امام مجتبی علیه السلام در دامان حضرت زهرا (س) بزرگ شد. او از همان دوران کودکی از نبوغ سرشاری برخوردار بود و ی با حافظه‌ی نیرومندش، آیاتی را که بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل می‌شد، می‌شنید و همه را حفظ می‌کرد و وقتی به خانه می‌رفت برای مادرش می‌خواند و حضرت فاطمه (س) آن آیات و سخنان رسول الله صلی الله علیه و آله را برای حضرت علی علیه السلام نقل می‌کرد و علی علیه السلام به شگفتی می‌پرسید: این آیات را چگونه شنیده است؟ و زهرای مرضیه می‌فرمود: از حسن علیه السلام شنیده‌ام. (۴)

به داستانی در این مورد توجه کنید: «روزی علی علیه السلام پنهان از دیدگان فرزندش به انتظار نشست، تا ببیند فرزندش چگونه آیات را بر مادرش تلاوت می‌کند.

می‌کرد و از ارتباط او با مقام نبوت و
علاقه‌ی حقیقی که به وی داشت همه‌جا
سخن می‌گفت.

آنچه از زبان پیامبر ﷺ در مورد
حضرت مجتبیٰ علیه السلام بیان شده است
چنین است:

«هر کس می‌خواهد آقای جوانان
بهشت را ببیند به حسن علیه السلام نگاه
کند.» (۷)

«حسن گل خوشبویی است که من
از دنیا برگرفته‌ام.» (۸)

روزی پیامبر اکرم ﷺ به منبر رفت
و امام حسن علیه السلام را در کنارش نشانید و
نگاهی به مردم کرد و نظری به امام
حسن علیه السلام انداخت و فرمود: «این فرزند
من است و خداوند اراده کرده که به برکت
و جود او بین مسلمانان صلح را برقرار
سازد.» (۹)

یکی از یاران رسول الله ﷺ
می‌گوید: پیغمبر ﷺ را دیدم که امام
حسن علیه السلام را بر دوش می‌کشید و

می‌فرمود: «خدا یا من حسن را دوست
دارم، تو هم دوستش بدار.» (۱۰)

روزی پیامبر معظم اسلام ﷺ امام
حسین علیه السلام را بر دوش گرفته بود، مردی
گفت: ای پسر بر مرکب خوبی سوار
شده‌ای. پیامبر فرمود: «او هم سوار
خوبی است.» (۱۱)

شب ی پیغمبر خدا ﷺ نماز عشاء
می‌خواند و سجده‌ای طولانی به جا آورد.
پس از پایان نماز، دلیل را از حضرتش
پرسیدند، فرمود: پسر من حسن، بر پشتم
نشسته بود و ناراحت بودم که پیاده‌اش
کنم. (۱۲)

انس بن مالک نقل می‌کند که:
رسول الله ﷺ درباره‌ی امام حسن علیه السلام به
من فرمود:

ای انس! حسن فرزند و میوه‌ی دل
من است، اگر کسی او را اذیت کند، مرا
اذیت کرده و هر کس مرا بیازارد، خدا را
اذیت کرده است. (۱۳)

رسول الله ﷺ درباره‌ی امام حسن علیه السلام فرمود:

**حسن فرزند و میوه‌ی دل من است، اگر کسی او را اذیت کند،
مرا اذیت کرده و هر کس مرا بیازارد، خدا را اذیت کرده است.**

زینب دختر ابو رافع می گوید:
حضرت زهرا (س) در هنگام بیماری
رسول الله ﷺ هر دو فرزندش را نزد
پیامبر ﷺ آورد و فرمود: اینان فرزندان
شما هستند. اکنون ارثی به آنان بدهید.
حضرت فرمود:

«شرف و مجد و سیادت را به
حسن ﷺ دادم و شجاعت وجود خویش
را به حسین ﷺ بخشیدم.» (۱۴)

اسوه‌ی بزرگواری

امام حسن ﷺ در طول زندگی پر
برکتش همواره در راه هدایت و ارشاد
مردم گام بر می داشت و شیوه‌ی
برخوردش با عموم مردم - حتی دشمنان
- چنان جالب و زیبا بود که همه را به خود
جذب می کرد.

مورخین نوشته اند «روزی امام
مجتبی ﷺ سواره از راهی می گذشت.
مردی شامی بر سر راه آن حضرت آمد و
ناسزا گفت. وقتی که فحش هایش تمام
شد، امام ﷺ رو به او کرده و سلامش کرد!
آنگاه خندید و گفت: ای مرد! فکر می کنم
در این جا غریب هستی... اگر از ما چیزی
بخواهی، به تو عطا خواهیم کرد. اگر

گرسنه‌ای سیرت می کنیم، اگر برهنه‌ای
می پوشانیمت، اگر نیازی داری،
بی نیازت می کنیم، اگر از جایی رانده
شده‌ای پناحت می دهیم، اگر حاجتی
خواستی باشی برآورده می کنیم،
هم اینک بیا و مهمان ما باش. تا وقتی که
این جا هستی مهمان مایی...

مرد شامی که این همه دل جویی و
محبت را از امام مشاهده کرد به گریه
افتاد و گفت:

«شهادت می دهم که تو خلیفه‌ی
خدا روی زمین هستی و خداوند بهتر
می داند که مقام خلافت و رسالت را در
کجا قرار دهد. من پیش از این، دشمنی
تو و پدرت را به سختی در دل داشتم. اما
اکنون تو را محبوب ترین خلق خدا
می دانم.»

آن مرد، از آن پس، از دوستان و
پیروان امام ﷺ به شمار آمد و تا هنگامی
که در مدینه بود، همچنان مهمان آن
بزرگوار بود. (۱۵)

اسوه‌ی اینثارگری

یکی دیگر از صفات برجسته‌ی امام
مجتبی ﷺ انفاق و بخشش بی سابقه‌ی

اوست.

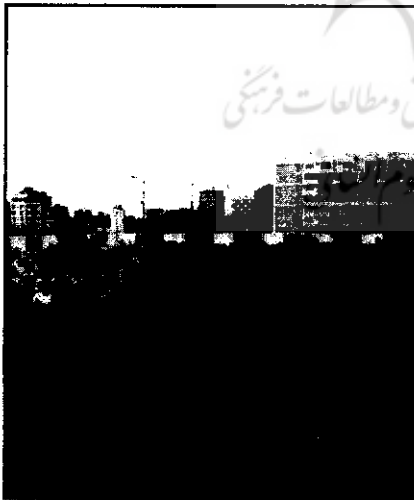
برفراز منبر رفت و بعد از حمد و سپاس

خداوند در فرازی از سخنانش فرمود:

... لقد قبض فی هذه الليلة رجل لم
یسبقه الاولون بعمل ولا یدرکه الاخرون
بعمل... (۱۸)

«شب گذشته مردی از این جهان در
گذشت که هیچ یک از پیشینیان - در
انجام وظیفه و اعمال شایسته بر او
سبقت نگرفتند و از آیندگان نیز کسی را
یارای پا به پای او نیست...»

و سپس فرمود: علی علیه السلام در شبی
رخت از جهان بست که در آن شب
عیسای مسیح به آسمان عروج کرد،
یوشع بن نون جانشین موسای پیامبر
نیز در آن شب درگذشت.



تاریخ نگاران نوشته‌اند: امام
حسن علیه السلام دوبار تمام ثروت خود را در راه
خدا خرج کرد و سه بار دارایی اش را به دو
نصف کرده، نیمی را برای خود گذاشت و
نصف دیگر را در راه خدا انفاق کرد. (۱۶)

امام حسن علیه السلام ملجاء درماندگان،
آرام بخش دل‌های دردمندان و امید
تهیدستان بود، هیچ گاه نشد که فقیری
به حضور آن بزرگوار برسد و دست خالی
برگردد. در همین مورد نقل کرده‌اند:
مردی به حضور امام حسن علیه السلام آمد و
اظهار فقر و حاجت کرد. امام حسن علیه السلام
دستور داد تا پنجاه هزار درهم، به
اضافه‌ی پانصد دینار به او بدهند. مرد
سائل حمالی را صدا زد که پول‌هایش را
برایش ببرد. امام مجتبی علیه السلام پوستین
خود را هم به آن مرد داد و فرمود: این را
هم به جای کرایه به آن مرد بده. (۱۷)

امام حسن مجتبی علیه السلام بعد از پدر

پس از آن که حضرت علی علیه السلام در
محراب عبادت خون خویش را به پای
درخت توحید نثار کرد امام مجتبی
غمگین در سوگ اسوه‌ی صبر و بردباری،

پدرم در حالتی دنیا را ترک کرد که هیچ سیم و زر و اندوخته‌ای نداشت. مگر تنها هفتصد درهم که از هدایای مردم به جا مانده بود که قصد داشت با آن خدمتکاری بگیرد.

در اینجا، امام گریست و مردم نیز همصدا با حضرت مجتبی‌علیه السلام گریستند. سپس ادامه داد: من پسر بشیرم، من پسر ندیرم، من از خانواده‌ای هستم که خداوند دوستی آنان را در کتاب خویش (قرآن) واجب کرده است آن جا که می‌فرماید:

﴿قُلْ لَا اسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حَسَنًا...﴾^(۱۹) بگو من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم در خواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم [= اهل بیتم]؛ و هر کس کار نیکی انجام دهد، بر نیکی‌اش می‌افزاییم.

بر این اساس دوستی ما - خاندان - همان حسنه و خوبی است که خداوند بدان اشاره کرده است.

سپس بر جای خود نشست.

در این هنگام «عبدالله بن عباس» برخاست و به مردم گفت: این فرزند

پیامبر شما و جانشین امام علی علیه السلام است، اکنون او رهبر و امام شماست. بیایید و با او بیعت نمایید!

مردم گروه گروه به سوی حضرت مجتبی‌علیه السلام روی آوردند و بیعت کردند. سپس امام علیه السلام خطبه‌ای بیان فرمود که در آن بر لزوم اطاعت از خدا و پیامبر و اولی الامر تأکید شده بود و مردم را از پیروی شیطان برحذر داشت و اهمیت ایمان و عمل خیر را یادآور گردید^(۲۰).

امام مجتبی‌علیه السلام در سال چهارم هجرت و در سن ۳۷ سالگی با مردم بیعت کرد و با آن‌ها شرط کرد که: با هر که من صلح کنم شما هم صلح کنید، با هر که من جنگ کنم شما هم جنگ کنید و آن‌ها قبول کردند^(۲۱).

در ضمن امام علیه السلام نامه‌ای به معاویه نوشت و او را دعوت به بیعت کرد و متذکر شد که اگر در امر اداره‌ی جامعه اخلاص کند و جاسوس بگمارد با قاطعیت برخورد خواهد کرد و در مورد دستگیری و اعدام دو جاسوس وی به او هشدار داد^(۲۲).

معاویه در پاسخ امام نوشت:

... من از تو سابقه بیشتری دارم،

پس بهتر آن که تو پیرو من باشی. من نیز قول می‌دهم که خلافت مسلمانان، پس از من با تو باشد و هر چه بیت‌المال عراق است در اختیار تو خواهم گذارد... (۲۳) و چنین بود که معاویه از پذیرش حق امتناع ورزید و نه تنها از بیعت با امام حسن علیه السلام خودداری کرد، بلکه عملاً به طرح توطئه علیه حضرت پرداخت و با خدعه و فریب و تطمیع، افرادی را برانگیخت تا نسبت به قتل امام علیه السلام اقدام نمایند و سرانجام این امام مظلوم در بیت خودش به دست همسرش «جعدیه» زهر خورانده شد و به جای این که نوشی برای مولی باشد نیشی شد که جگر امام مجتبی علیه السلام را پاره کرد.

امام علیه السلام با دسیسه معاویه مسموم گردید... (۲۴) و پس از چهل روز در روز بیست و هشتم ماه صفر سال پنجاهم هجری به شهادت رسید و در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد. چونان خورشیدی در دل زمین (۲۵).

پی نوشت‌ها:

- ۱- الرحمن، ۱۹، ۲۰ و ۲۲.
- ۲- با استفاده از مقدمه‌ی مترجم کتاب زندگانی

- ۱- امام حسن علیه السلام تألیف باقر شریف القرشی.
- ۲- تاریخ خلفاء، ص ۷۳، سیوطی - دائرة المعارف بستانی واژه‌ی حسن.
- ۳- ترجمه‌ی زندگانی امام حسن، ص ۵۹، باقر شریف القرشی.
- ۴- همان، ص ۶۰.
- ۵- اسد الغابه، ج ۲ ص ۱۸۵.
- ۶- البداية والنهاية، ج ۸.
- ۷- الاستيعاب، ج ۲.
- ۸- مسند احمد حنبل، ج ۵ ص ۴۴.
- ۹- البداية والنهاية، ج ۸.
- ۱۰- صواعق المحرقة، ص ۲۸۰ - حلیة اولیاء، ص ۲۲۶.
- ۱۱- الاصابه، ج ۲.
- ۱۲- کنز العمال، ج ۶ ص ۲۲۲، متقی هندی.
- ۱۳- ترجمه‌ی اعلام الوری ص ۳۰۴، طبرسی.
- ۱۴- ستارگان درخشان، ص ۴۲، محمد جواد نجفی.
- ۱۵- تاریخ یعقوبی، ج ۲ ص ۲۱۵ - اسد الغابه، ج ۲ ص ۱۳، تذکره سبط بن جوزی، ص ۱۹۶.
- ۱۶- ستارگان درخشان، ص ۴۶.
- ۱۷- ارشاد مفید، ص ۳۴۸ - جلاء العیون مجلسی، ص ۳۷۸، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ ۱۳۵۳.
- ۱۸- شوری / ۲۳.
- ۱۹- زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام، ص ۵۴۳، عماد زاده.
- ۲۰- جلاء العیون، ص ۳۷۸.
- ۲۱- ارشاد مفید، ص ۲۵۰.
- ۲۲- نهج البلاغه، شرح ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۳۵.
- ۲۳- پیشوای دوم، ص ۲۸.
- ۲۴- آفتابی در هزاران آیینه، ص ۱۱۹، جواد نعیمی.